

گزارش و مصوبات دومین کنگره سازمان

* خط مشی ما

* گزارش کنگره دوم سازمان

* قطعنامه درباره اوضاع سیاسی و چشم انداز آینده * وظایف ما

* قطعنامه درباره: وحدت چپ، سیاست های ائتلافی و نیروهای اپوزیسیون

برگرفته از:

صفحات ۸ تا ۱۲



ارگان مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

مرداد ۱۳۷۵ شماره ۲۸ سال سوم

گزارش کنگره دوم سازمان

کنگره دوم سازمان در تیرماه ۷۵ تشکیل گردید. ابتدا هیات رئیسه سنی کنگره بمنظور ارجگذاری و احترام به شهدای جنبش چپ و انقلابی کشورمان، اعلام یک دقیقه سکوت نمود. سپس آئین نامه اداره جلسه که توسط کمیته مرکزی تدارک شده بود، در دستور قرار گرفت. پس از بحث حول این سند، پیشنهادهای ارائه گردید که در میان آنها، پیشنهادی مبنی بر ایجاد کمیسیون رسیدگی به شکایات اعضا برای همین کنگره، به تصویب رسید و به دستور جلسه کنگره افزوده شد. با افزوده شدن این موضوع به دستور جلسه کنگره، کل سند به رای گذاشته شد و با ۹۶ درصد آرا به تصویب رسید. با تصویب آئین نامه اداره جلسه، انتخابات هیات رئیسه دائمی در دستور قرار گرفت و سپس کنگره برترتیب موضوعات زیر را مورد بحث و تصمیم گیری قرار داد:

۱- گزارش عملکرد

۲- تحلیل اوضاع سیاسی جامعه و چشم انداز آن

۳- وظایف ما

۴- مرحله انقلاب و خط مشی ما

۵- نیروهای اپوزیسیون و سیاست های ائتلافی

۶- بررسی نتیجه کار کمیسیون شکایات

۷- انتخابات کمیته مرکزی

۱- نقد عملکرد: در این زمینه گزارش عملکرد توسط کمیته مرکزی تدارک شده و در اختیار اعضا گذاشته شده بود. ابتدا چارچوب گزارش نقد عملکرد به رای گذاشته شد که با ۶۱ درصد آرا موافق به تصویب رسید. سپس پیشنهادهای در جهت تکمیل و تغییر برخی مسائل مطرحه در آن ارائه گردید. پس از اصلاحات، سند پیشنهادی همراه اصلاحات مصوبه کنگره به رای گذاشته شد، که با ۵۰ درصد آرا موافق به تصویب نرسید. این سند با اصلاحاتش در اختیار رفقای تشکیلات قرار خواهد گرفت.

۲- دومین موضوع در دستور، تحلیل اوضاع سیاسی جامعه و چشم انداز آن بود. پس از بحث حول این موضوع، چارچوب قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی به رای گذاشته شد و با ۹۳ درصد آرا موافق به تصویب رسید. سپس پیشنهادهای ارائه شده جهت تکمیل، تغییر و اصلاح قطعنامه به بحث و نظرخواهی گذاشته شد. با وارد کردن اصلاحات مصوبه، دوباره قطعنامه با اضافه اصلاحاتش به رای گذاشته شد و با ۸۹ درصد آرا موافق به تصویب رسید. (سند شماره یک) در رابطه با بند ۴ قطعنامه که در آن آمده است که: 'جناح خامنه ای- بازار هر چند که به هدف مطلوب خود در زمینه قبضه کردن کامل مجلس نائل نیامد ولی توانست اکثریت خود را در آن تامین نماید...' نظری وجود داشت که این حکم را نادقیق می دانست. این نظر اعتقاد داشت که انتخاب رئیس مجلس از جناح خامنه ای- بازار بمعنی غلبه این جناح در مجلس نیست. جناح خامنه ای- بازار با تهدیدها، تطمیع ها و تشییاتی اکثریت آرا مجلس را برای انتخاب ناطق نوری بدست آورده است. این نظر به رای گذاشته شد و با ۴۶ درصد آرا رد شد. نکته دیگری که روی آن در کنگره بحث شد، شعار تاکتیکی خلع ید از روحانیت بود. رفقای مدافع این شعار پیشنهاد داشتند بند زیر به آخر قطعنامه گزارش سیاسی افزوده شود:

بند ۲۳- ضرورت دخالت در این رو در روی، کند کردن توان سرکوب حکومت و سازماندهی یک جنبش پیروزمند علیه جمهوری اسلامی، مستلزم بسیج بیشترین و پر قدرت ترین نیرو و شکل دادن به یک آلترناتیو انقلابی است. گام عملی برای ایجاد یک آلترناتیو جدی و واقعی، طنین شعاری واحد در درون جامعه مبتنی بر خواست و انگیزه همگانی خواهد بود. انعکاس این خواست در شرایطی که سنگ پایه این حکومت را روحانیت تشکیل داده و از هر جانب به آن گره خورده است در شعار تاکتیکی خلع ید از روحانیت و بزرگ کشیدن آخوندها از قدرت سیاسی متبلور خواهد گشت. تحقق این شعار، یعنی محو جمهوری اسلامی و در هم شکستن تمام نهادهایی است که بدون نابودی آنها جامعه ما روی آزادی و دموکراسی بخود نخواهد دید. خلع ید از روحانیت و ایجاد یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر انقلاب توده ها و مجلس موسسان منتخب خود مردم، دو جز تفکیک ناپذیر و شرط لازم برای استقرار دموکراسی در کشور ماست. این نظر با ۲۱ درصد آرا موافق رد شد.

۳- وظایف ما، موضوع بعدی در دستور اجلاس کنگره بود. کمیته مرکزی سازمان پیرامون این موضوع، پیشنهاد زیر را به کنگره ارائه نموده بود: مهمترین وظیفه محوری سازمان در دو سال آینده، تلاش برای ساختن آلترناتیو انقلابی- دموکراتیک در مقابل جمهوری است. کمیته مرکزی سازمان موظف است برنامه عمل خود را با توجه به وظیفه محوری فوق تنظیم نماید. این پیشنهاد با ۴۲ درصد آرا رد شد. قطعنامه دیگری در رابطه با این موضوع به کنگره پیشنهاد شده بود. این قطعنامه با اصلاحاتی به رای گذاشته شد و با ۵۹ درصد آرا موافق به تصویب رسید (سند شماره دو)

۴- مرحله انقلاب و خط مشی ما: در رابطه با مرحله انقلاب، از جانب کمیته مرکزی مطلب و قطعنامه ای تهیه و تدارک نشده بود. ولی در ارتباط با خط مشی ما، قطعنامه ای به کنگره پیشنهاد شده بود که چارچوب آن مورد تصویب کمیته مرکزی سازمان بود (این قطعنامه قبلا در نشریه اتحاد کار منتشر گردیده بود). قبل از شروع بحث حول این موضوع، پیشنهادی برای خارج نمودنش از دستور، به کنگره ارائه گردید. این پیشنهاد چنین بود: درباره موضوع خط مشی ما، با توجه به اینکه فرصت کافی برای بحث و بررسی و تبادل نظرات نبوده، و در عین حال نمی خواهیم سندی را هم به تصویب برسانیم که در مجموع بر ابهامات و اشکالات نظری ما بیفزاید، پیشنهاد می شود بحث و بررسی در زمینه مقدمه نظری این سند (راجع به سوسیالیسم و مرحله انقلاب) فعلا متوقف و بحث روی حکم و اصلاح پلاتفرم نظری- سیاسی مصوب کنگره قبلی، متمرکز گردد. این پیشنهاد با ۱۹ درصد آرا رد شد. با رد شدن این پیشنهاد، بحث حول سند آغاز شد و در نهایت بر مبنای پیشنهادات رسیده، کمیسیون خط مشی سند را اصلاح نموده به کنگره جهت تصمیم گیری ارائه نمود که با ۷۴ درصد آرا به تصویب رسید. (سند شماره ۲) در رابطه با امکان ساختن سوسیالیسم در ایران پیشنهاد زیر به کنگره ارائه گردید: امکان ساختن سوسیالیسم در ایران، مشروط به یک رشته انقلابات

سوسیالیستی در کشورهای متروپل صنعتی می باشد. این پیشنهاد با ۱۵ درصد آرا رد شد.

۵- نیروهای اپوزیسیون و سیاست های ائتلافی: پیرامون این موضوع، کمیته مرکزی سازمان، قطعنامه ای تدارک نموده و به کنگره ارائه کرده بود. ابتدا چارچوب آن به رای گذاشته شد و با ۹۷ درصد آرا موافق به تصویب رسید. سپس بحث حول اصلاحات متمرکز گردید. از میان موضوعات پیشنهادی، جایگاه ائتلاف ها و اتحاد چپ موضوع بحث انگیزی بود که درک های متفاوتی حول آن وجود داشت. گرچه اکثریت رفقای شرکت کننده در کنگره بر اهمیت این دو عرصه از فعالیت سازمان، تاکید می نمودند ولی در اولویت قائل شدن برای آنها، تفاوت نظر وجود داشت به همین خاطر ابتدا حول اهمیت آنها پیشنهاد زیر به رای گذاشته شد: اتحاد چپ و ائتلاف دو عرصه مهم همکاری ما با نیروهای چپ و دمکرات خواهد بود. این نظر با ۹۰ درصد آرا موافق به تصویب رسید. در رابطه با اولویت قائل شدن برای این دو عرصه، دو پیشنهاد ارائه گردید. پیشنهاد اول در ادامه جمله قبل که بر اهمیت این دو عرصه تاکید نموده بود، اضافه می کرد که این دو عرصه همکاری به موازات هم برحسب شرایط و امکانات پیش خواهد رفت و پیشبرد هیچیک مشروط به انجام دیگری نیست. این نظر با ۷۵ درصد آرا موافق به تصویب رسید. پیشنهاد دوم معتقد بود که: در این دو عرصه همکاری، اولویت در تلاش برای وحدت نیروهای چپ می باشد. این پیشنهاد با ۳۹ درصد آرا رد شد.

مساله بحث انگیز دیگر در رابطه با سیاست های ائتلافی، مساله سیاست اتحاد عمل با لیبرال ها و رفرمیست ها بود. پیرامون این موضوع دو پیشنهاد متفاوت به رای گذاشته شد. پیشنهاد اول معتقد بود که: ما با نیروهای ملی- لیبرال و چپ رفرمیست که از آزادی و جوانی از اصول دموکراتیک جانبداری می کنند، در مواردی که آنها از اصلاحات دموکراتیک نفع مردم دفاع کرده و یا علیه سیاست های سرکوبگرانه رژیم به مبارزه برمی خیزند همکاری و اتحاد عمل می کنیم. این نظر با ۴۷ درصد آرا رد شد. پیشنهاد دیگر که جهت ادغام در قسمت الف بند ۳ قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی، ارائه شده بود بدینقرار بود:

ما رابطه و همکاری مستقل سازمانی با این نیروها نداریم ولی در حرکتی که با برنامه ما خوانایی دارد حضور آنان مانع شرکت و فعالیت ما نخواهد بود. این نظر با ۵۳ درصد آرا موافق به تصویب رسید سپس کل قطعنامه همراه با اصلاحاتش به رای گذاشته شد و با ۵۴ درصد آرا موافق به تصویب رسید. (سند شماره ۴)

۶- بررسی نتیجه کار کمیسیون شکایات: به این کمیسیون یک نامه حاوی دو شکایت از کمیته مرکزی رسیده بود. مساله اول اینکه از کمیته مرکزی انتقاد شده بود که به نامه های یک رفیق پاسخ کتبی نداده است. که با ۷۴ درصد آرا موافق به تصویب رسید. مساله دوم از کمیته مرکزی انتقاد شده بود که بنام کنگره یک سند غیرمصوب کنگره را به تشکیلات ارائه نموده است. این مساله با ۱۱ درصد آرا موافق رد شد.

در پایان انتخابات کمیته مرکزی در دستور قرار گرفت که اعضا کمیته مرکزی انتخاب شدند.

قننامه درباره اوضاع سیاسی و چشم انداز آینده

۱- بحران همه جانبه ای که جامعه ما را فرا گرفته، شدت بی سابقه ای پیدا کرده است. عوارض این بحران در همه جا نمایان است. اثرات آن فشارهای طاقت فرسایی را به اکثریت وسیعی از مردم، خصوصا کارگران و زحمتکشان، تحمیل می کند. ماهیت وجودی این رژیم خود عامل عمده ی بحران است.

۲- جمهوری اسلامی، امروز بیش از همیشه، در چنبره بحران و تناقضات درونی خود گرفتار است. منازعات داخلی جناح ها، کل رژیم را فرسوده کرده است. ادغام دین و دولت پایه اصلی آن و سرکوب و پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی، کماکان خصلت برجسته ی آنست. تردید در مبانی حکومت اسلامی که امروزه در میان برخی جریانات رژیم سر باز نموده است، نشانه ای آشکار از تردید در امکان ادامه وضعیت فعلی حکومت، در صفوف خود جمهوری اسلامی است.

۳- ائتلافی که در زمان تشکیل مجلس چهارم رژیم بین جناح رفسنجانی و جناح خامنه ای و بازار (رسالتی ها) شکل گرفته بود، با شکست روبرو شده و شکاف درونی آن، در مقطع انتخابات مجلس پنجم، به نحو بارزتری نمایان گردید. دعوای درونی آنها تنها به تصاحب مناصب عمده سیاسی و یا موقعیت های ویژه اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه چگونگی بقا و ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی را نیز در بر می گیرد.

۴- در پی انتخابات درونی رژیم و تشبثات گوناگون مربوط بدان، جناح خامنه ای- بازار (رسالتی ها) هر چند که به هدف مطلوب خویش در مورد قبضه کردن کامل مجلس نائل نیامد اما توانست، به هر ترتیب، اکثریت خود را در آن تامین نماید. با تامین اکثریت مجلس، این جناح گام مهم دیگری در جهت تصرف قوه ی اجرایی برداشته است. زمینه چینی و تدارک برای انتخابات ریاست جمهوری و کنار گذاشتن رفسنجانی، تلاش اصلی این جناح طی یک سال آتی خواهد بود. در صورت تصرف احتمالی این مسند، هر سه قوه زیر کنترل یک جناح حکومتی در خواهد آمد. با قبضه بیشتر مواضع کلیدی قدرت توسط این جناح، چنانکه از شواهد فعلی نیز پیداست، فشارها و قید و بندهای باز هم بیشتری بر مردم تحمیل خواهد شد.

۵- کشمکش های درون حکومتی، جدا از برتری این یا آن جناح، در سال های آینده نیز ادامه خواهد یافت. همراه با تشدید بحران و اختلافات و انزوای بیشتر رژیم در داخل و خارج، امکان درگیری های حادثتر میان این جناح ها به طور کلی منتفی نیست. حمایت آشکار از تروریسم، بی اعتنایی به موازین حقوقی بین المللی، مداخله جویی در امور داخلی کشورها، تقویت هر چه بیشتر ماشین جنگی و گسترش اقدامات تروریستی از خارج کشور، تلاش برای صدور انقلاب اسلامی، کماکان از محورهای اصلی سیاست خارجی رژیم بوده که به تشنج بیشتر در مناسبات بین المللی، به ویژه در سطح منطقه، دامن زده است. تلاش های رژیم برای بهره برداری از اختلافات آمریکا و اروپا در مورد چگونگی برخورد به جمهوری اسلامی، و یا دادن پاره ای امتیازات به طرف های خارجی، مانع از تشدید انزوای آن در عرصه بین المللی نشده است.

۶- اختلالات شدیدی که طی سال های گذشته در روند تولید و انباشت سرمایه به وجود آمده، به بحران اقتصادی که زائیده نظام سرمایه داری است، عمق و دامنه ای بیسابقه ای بخشیده است. نرخ تورم سه رقمی همراه با رکود شدید از ویژگی های کنونی بحران و رشد فزاینده بیکاری از عوارض بلاواسطه ی آنست. فقدان سرمایه گذاری های ضروری در عرصه های

اقتصادی و اجتماعی، عقب ماندگی ساختاری ایران را در قیاس با جامعه متحول جهانی دو چندان کرده است که پیامدهای آن در سال های آینده نمایان تر خواهد شد.

۷- اجرای سیاست های 'تعدیل اقتصادی' چنان که قابل پیش بینی بود، این بحران را به مرحله ی حادثتری کشاند بدون آنکه تخفیفی در عوامل موجد آن پدید آورد. پیاده کردن این سیاست ها، هم چنان که اعمال کنترل های شدید دولتی در دوره قبلی، سودهای سرشاری را نصیب گروهی از سرمایه داران، دلالان و مسئولان حکومتی کرد. این سیاست ها به عنوان 'تتها آلترناتیو' موجود در عرصه اقتصادی، از جانب دسته ای از جریانات اپوزیسیون نیز تبلیغ و حمایت می شود، اگرچه اینان شکست آشکار آن در تجربه ی مشخص جامعه ما را صرفا ناشی از بی کفایتی های رژیم حاکم قلمداد می کنند.

۸- بار سنگینی بدهی های خارجی، توسل زور افزون به استقراض داخلی و فروش تاسیسات دولتی و اموال عمومی برای جبران هزینه های جاری نظامی و اداری فزاینده دستگاه حکومتی، توان مقابله با عوارض بحران را شدیداً کاهش داده است. فشارهای فزاینده ی سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی در عرصه مناسبات بین المللی، امکانات موجود را محدودتر و تنگناهای جاری را شدیدتر می سازد. با ادامه ی این روندها، در چشم انداز آتی، تشدید و تعمیق بیشتر بحران اقتصادی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۹- شانه خالی کردن دولت از تامین خدمات عمومی در زمینه های آموزش، بهداشت، درمان و... برغم همه مسئولیت های قانونی و عرفی آن، از جمله 'دستاوردهای' حکومت اسلامی در سال های اخیر بوده است. نه فقط نارسایی، کمبود و کیفیت نازل خدمات اجتماعی آموزش و بهداشت که غالباً گریبانگیر اقشار تهیدست و کم درآمد بوده، بلکه به طور کلی حذف یا پولی کردن آنها در دستور کار رژیم قرار گرفته است. با اجرای چنین سیاست هایی، نه تنها مزد و حقوق بگیران بلکه گروه های زیادی از اقشار متوسط نیز زیر فشارهای فزاینده واقع شده اند.

۱۰- تشدید نابرابری، فقر و محرومیت بیسابقه ای که از عوارض ملموس و مسلم بحران اقتصادی و سیاسی جاریست، به نوبه خود، بر نابسامانی ها و اختلافات اجتماعی هر چه بیشتر دامن زده است. بیکاری و بلا تکلیفی گریبانگیر انبوهی از توده ها و به ویژه جوانان است. اعتیاد گسترش یافته است. فساد به صورت یک آفت نهادی و رسمیت یافته در آمده است. شدت گرفتن مهاجرت ها، تخریب و آلودگی محیط زیست، عدم تعادل های بخشی و منطقه ای و... روز به روز ابعاد گسترده ای پیدا می کنند. اقشار وسیعی از مردم روزگار خود را هر روز بدتر از دیروز می یابند و هیچ آینده روشنی در برابر خود نمی بینند.

۱۱- در همین حال و به واسطه ی سیاست ها و بی سیاست های رژیم، جایجائی های وسیعی در ثروت ها و مالکیت ها صورت می پذیرد. با بهره گیری از آشفته بازار فعلی یا با استفاده از امکانات و امتیازات دولتی و یا از طریق واگذاری و تصاحب شرکت ها و موسسات عمومی، گروهی از سرمایه داران، دلالان، مدیران و مسئولان نهادهای حکومتی سودها و ثروت های کلانی به جیب می زنند. بخش مهمی از این ثروتها، به اشکال گوناگون، به خارج انتقال می یابد و بخشی دیگر صرف بورس بازی ها و سودجویی های مضاعف می شود. شرکت سهامی غارتگری از رونق کامل برخوردار است.

سربرافراشته و خیالات سردمداران حکومتی را سخت برآشفته است. حرکت ها و تلاش های گروه هایی از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران، در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، از آن جمله است. گسترش جنبش صنفی و اعتراضی دانشجویان در سال های اخیر، نمونه بارز دیگریست. با وجود همه کنترل ها، تهدیدات و تهاجمات، اکنون جنبش دانشجویان به سطحی رسیده است که برای جلوگیری از بروز، تکرار و گسترش مبارزات دانشجویی، رژیم متوسل به بستن دانشگاه های کشور گردد.

۱۸- مردم کردستان ایران که در اثر تداوم جنگ تحمیلی رژیم به این منطقه، همچنان دچار فشارها و محرومیت های مضاعف هستند، از پای ننشسته و به مقاومت و مبارزه حق طلبانه شان ادامه می دهند. عملکرد رژیم اسلامی طی سالیان گذشته کاملا آشکار ساخته است که در برابر خواست های برحق و عادلانه خلق کرد، این رژیم هیچ سیاست دیگری جز سرکوب و سرنیزه نمی شناسد. اعدام تعداد زیادی از مبارزان و زندانیان سیاسی کرد در دوره ی اخیر نیز شاهد دیگری بر این مدعاست. مبارزه خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت و استقرار دموکراسی، در شرایط حاضر، جای ویژه ای در مبارزات دموکراتیک عمومی ایران دارد.

۱۹- همه شواهد حاکی از آنست که بحران همه جانبه ی حاکم بر جامعه، در دوره آتی نیز روی به شدت خواهد نهاد. نه جمهوری اسلامی و نه هیچکدام از دستجات آن قدرت مقابله و تخفیف آن را نخواهند داشت. اصلاحات خودغرضانه ی آنها، به تجربه ی سال های گذشته، همواره در برخورد به تناقضات ذاتی و کشاکش های درونی رژیم نیمه کاره و بی ثمر می مانند. رژیمی که با آهنگ فزاینده ی نارضایتی و نفرت عمومی روبروست، توان و ظرفیت چندانی برای مانور و حرکت ندارد. اتکای افزونتر به سرنیزه و سرکوب، تنها حلقه اصلی است که رژیم هنوز می تواند خود را بر آن بیاویزد. فریکاری های مرسوم آن، همچون برگزاری انتخابات فرمایشی، تنها گروه ها و یا جریانات سازشکاری را می تواند گول بزند که هنوز به منطق رنگ باخته انتخاب بین بد و بدتر در برخورد به جناح های حکومتی دل بسته اند.

۲۰- برخی از جریانات اپوزیسیون نیز که اساسا به حرکت توده های بی اعتماد و یا به قدرت های خارجی وابسته اند، چشم خود را به امدادهای 'غریبی' دوخته اند تا در ادامه تشدید فشارهای بین المللی، دولت های امپریالیستی و خصوصا امریکا تحولات آتی جامعه ما را تحت کنترل خویش درآورده و برای مردم تعیین تکلیف نمایند.

۲۱- بر پایه شرایط و روندهای جاری و قابل پیش بینی، سال های آینده شاهد تداوم و گسترش مبارزات توده ها خواهد بود. هر چند که فقدان یک آلترناتیو انقلابی دموکراتیک فعال و موثر که بتواند بر نومیادی های رایج در میان گروه هایی از مردم فائق آمده و امید تغییر و تحول در مسیر آزادی و عدالت را در بین وسیع ترین اقشار زحمتکشان تقویت نماید، هنوز مانع از پیوند مبارزات و تبدیل آنها به یک جنبش سراسری است. اما دوره آتی، نه دوره ای دیگر از عقب نشینی یا رکود بلکه دوره ی آمادگی برای رویارویی سهمگین با رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

۲۲- مبارزه علیه استبداد مذهبی حاکم و تامین حقوق دموکراتیک مردم در شرایط حاضر، از اولویت عمده در بین عرصه های گوناگون مبارزات توده ها برخوردارست.

قشر تازه ای از ثروتمندان و نوکیسه ها شکل گرفته است که می تواند، بیش از پیش، سیاست ها و تصمیمات اقتصادی دولت را زیر نفوذ خویش درآورد. ۱۲- در برابر این شرایط تحمیلی، در مقابل سیاست های رژیم یا اجحافات ارگان های حکومتی و یا، به طور مستقیم، علیه خود این دستگاه جور و چپاولگری، اقشار و گروه های وسیعی از مردم در سال های اخیر دست به مقاومت و اعتراض زده اند. نه سرکوبگری وحشیانه ی رژیم اسلامی، نه روحیات یاس و نومیادی که گریبانگیر بخشی از جامعه ماست و نه پند و اندرزهای برخی 'مصلحت'اندیشان که توده های کارد به استخوان رسیده را به سازش و آشتی با حکومتگران فرا می خوانند، مانع از بروز و گسترش اعتراضات مردم نشده است. اکنون دیگر حرکت ها و شورش های مقطعی و موضعی علیه رژیم و سیاست ها و اقدامات آن، یک واقعیت آشکار است.

۱۳- حرکات اعتراضی و مبارزات توده ها غالبا خصلت انفجاری دارد. نبود امکانات سازماندهی و هدایت، مانع از تبدیل آنها به یک جنبش متصل و دامنه دار می شود. مقاومت توده های زحمتکش در برابر فشارهای خانمان برانداز سیاست های حکومت اسلامی، خصوصا سیاست تعدیل اقتصادی و همچنین مقاومت و اعتراض در مقابل زورگویی ها، دخالت های بی وقفه و تحمیلات ارگان های حکومتی در مورد حجاب، مسکن، آب و برق، ... زمینه ساز بسیاری از حرکات مردمی است.

۱۴- واکنش جمهوری اسلامی نسبت به این گونه اعتراضات، عموما اقدام به سرکوب وحشیانه و خونین، تشدید قوانین و مقررات و یا تقویت نهادهای سرکوبگر بوده، هر چند گاهی ناگزیر گشته است که این حرکات را در محاسبات و تصمیم گیری هایش به نحوی وارد نماید. تلاش برای متوقف کردن اعتراضات و اقدام به سرکوب توده های بیباخته، جناح های مختلف رژیم را در هر مقطع متحد و همدست می سازد. اما تداوم و گسترش این مبارزات نهایتا اختلافات داخلی را شدت می بخشد.

۱۵- طبقه کارگر ایران که به لحاظ کمی و کیفی، در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی لطمات شدیدی خورده است، در سال های اخیر با تهاجم عنان گسیخته ی آن علیه باقیمانده ی حقوق و دستاوردهایش روبرو شده است. لکن مقاومت کارگران در برابر تهاجمات رژیم و کارفرمایان، در اشکال گوناگون، اگرچه غالبا غیر مستمر، ادامه یافته است. با وجود آن که رژیم همواره پاسداران خود را جهت سرکوب حرکات صنفی و اعتراضی گسیل می دارد، در برخی از واحدها، استقامت کارگران باعث عقب نشینی کارفرمایان یا مدیران دولتی شده است. کارگران و زحمتکشان ایران از فقدان تشکل های مستقل صنفی و سیاسی شدیداً رنج می برند و از همین رو، مقاومت ها و تلاش های آنها هنوز اثر بخشی لازم را ندارد. اما در برابر تعرضات رژیم و سرمایه داران شریک و مدافع آن، که در ادامه روند جاری روی به تشدید خواهد نهاد، کارگران مسلما ساکت نخواهند نشست.

۱۶- مقاومت زنان جامعه ما در مقابل محدودیت ها و محرومیت های شدید و مضاعفی که بر آنان تحمیل می شود، در اشکال و شیوه های گوناگون، ادامه می یابد. سیاست رژیم، به رغم همه تبلیغات عوامفریبانه آن، اساسا مبتنی بر تحمیل شدیدترین تبعیضات و نابرابری ها بر زنان و راندن آنها به پستوی خانه هاست. جنبش زنان برای دستیابی به حقوق انسانی و اجتماعی شان هنوز پراکنده و نارسا بوده، ولی از پتانسیل بسیار نیرومندی برخوردار است. اوجگیری این جنبش می تواند تاثیرات شگرفی در فضای خفقان زده ایران برجای گذارد.

۱۷- سالیان طولانی حاکمیت استبداد اسلامی نتوانسته است کانون های مقاومت و اعتراض فرهنگی و اجتماعی را محو و خاموش کند. این مقاومت ها و اعتراضات، برغم تهاجمات سرکوبگرانه مستمر رژیم، در اینجا و آنجا

سند شماره ۲

وظایف ما

وظیفه اصلی ما در شرایط کنونی، تقویت ارتباط سیاسی با جنبش کارگری، روشنفکری و توده ای در داخل کشور و حفظ رابطه با نیروهای سازمان در ایران می باشد. حرکت در این راستا از طریق تحقق وظایف زیر عملی است:

۱- حرکت سیاسی تبلیغی فعال با هدف اصلی تاثیرگذاری بر جنبش طبقه کارگر و جنبش دمکراتیک مردم ایران در داخل کشور. در حرکات تبلیغی، استفاده از رسانه های عمومی ارتباط جمعی که صدایشان در ایران شنیده می شود و اشکال دیگر نظیر... می بایست مورد توجه قرار گرفته و برایشان برنامه ریزی صورت گیرد. تبلیغات سیاسی ما با مضامین افشاگری علیه رژیم، طرح شعارهای ملموس مبارزاتی و تبلیغ ایده اتحاد نیروهای چپ و ترقیخواه صورت خواهد پذیرفت.

۲- تقویت نشریه اتحادکار از طریق اختصاص بیشتر نیرو و امکانات به آن.

۳- سازماندهی اقدامات و حرکات اعتراضی و افشاگرانه علیه رژیم در همکاری با سایر نیروها در اشکال اتحاد عمل سازمانی و تشکل های دمکراتیک

کمیته مرکزی منتخب موظف است براساس اولویت های فوق، سایر وظایف سازمان را در عرصه های مختلف سیاسی، تشکیلاتی و... بگونه ای روشن نماید که در خدمت هدف اصلی و سه وظیفه تعیین شده، قرار گیرد.

سند شماره ۳

قطعنامه درباره:

وحدت چپ، سیاست های ائتلافی و نیروهای

اپوزیسیون

۱- بر مبنای سوابق تاریخی- سیاسی و موقعیت اجتماعی جریانات مختلف سیاسی ایران و تحولات سال های اخیر، ۴ گرایش در صف اپوزیسیون رژیم بطور عمده مشاهده می شود. این صف بندی ها هر چند به لحاظ طبقاتی- اجتماعی، در مواردی شکل قطعی خود را نیافته اند، اما تا جایی که به خط مشی ها و مواضع سیاسی مربوط می شود، آنها را در گرایش های زیر قرار می دهد:

الف- نیروهای چپ و دمکرات

ب- جریانات ملی- لیبرال و رفرمیست

ج- مجاهدین و نهاد ائتلافی آن شورای ملی مقاومت

د- سلطنت طلبان

۲- اتحاد چپ و ائتلاف دو عرصه مهم همکاری ما با نیروهای چپ و دمکرات می باشد. این دو عرصه همکاری، به موازات هم برحسب شرایط و امکانات پیش خواهد رفت. و پیشبرد هیچیک مشروط به انجام دیگری نیست. سیاست و برنامه در این دو عرصه به قرار زیر است:

الف- نیروهای چپ برای اینکه بتوانند پایه ای اجتماعی خود را تقویت نمایند، در روند مبارزه علیه رژیم و برقراری دمکراسی نقش در خور داشته باشند و بتوانند مهر خود را بر تحولات اجتماعی آتی بزنند، از جمله می بایست به پراکندگی صفوف خود خاتمه داده و راه را بر ایجاد جریان نیرومند چپ بکشایند.

پیشنهاد ما در شرایط کنونی به تمامی سازمان ها، افراد و محافل چپ که، سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو سرمایه داری، سازماندهی طبقه کارگر بعنوان تعیین کننده ترین نیروی تحول اجتماعی، سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق انقلابی توده ای و برقراری دمکراسی در راس اهداف و برنامه های آنها قرار دارد، همکاری در زمینه های زیر می باشد:

- سازماندهی بولتن مباحث توریک- سیاسی به صورت مشترک و حول موضوعات مورد بحث در جنبش چپ.

- برگزاری سمینار و جلسات و کنفرانس های مشترک حول مباحثی که در بولتن جریان می یابد.

- ایجاد کمیته دفاع از حقوق و مبارزات کارگران در ایران که وظیفه آن، کار حول مطالبات کارگری، انعکاس اخبار مبارزات آنها و جلب حمایت از این مبارزات و... می باشد.

ب- فراهم نمودن زمینه ی ایجاد جبهه ای انقلابی- دمکراتیک که اهداف اساسی آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، برقراری دولت موقت انقلابی و فراخوان مجلس موسسان خواهد بود. وجود این جبهه در شرایط فعلی هر چند ضروریست، اما امکان ایجاد آن فراهم نیست. ضرورت تامین این شرایط و همچنین سازمان یابی موثرتر فعالیت کنونی نیروهای این طیف، در موقعیت فعلی، در گرو ایجاد نهاد سیاسی پایدارست که، بر پایه یک میثاق مورد توافق شکل خواهد گرفت و تنها معیار حضور نیروها در آن، اعم از سازمان ها و احزاب یا محافل و اشخاص منفرد سیاسی، پذیرش میثاق مورد توافق خواهد بود. اهداف اساسی این میثاق می تواند شامل این مواد باشد:

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، برقراری نظامی دمکراتیک، تامین آزادی های کامل سیاسی- صنفی پذیرش حق ملل در تعیین سرنوشت آنها، جدایی کامل دین از دولت، لغو تبعیض جنسی و تامین حقوق برابر زنان با مردان، تامین حقوق و ارتقا سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و... طبعاً آنچه حضور یا عدم حضور ما را در چنین ائتلاف سیاسی پایداری مشروط می سازد، پذیرش یا رد اساس این اهداف می باشد.

۳- سیاست ما در برخورد با دیگر جریان های اپوزیسیون به قرار زیر است:

الف- ما با نیروهای ملی- لیبرال و چپ رفرمیست که از آزادی و جوانی از اصول دمکراتیک جانبداری می کنند می توانیم در مواردی که آنها از اصلاحات دمکراتیک به نفع مردم دفاع کرده و علیه سیاست های سرکوبگرانه رژیم به مقابله بر خیزند همکاری و اتحاد عمل داشته باشیم ولی رابطه و همکاری مستقل سازمانی با این نیروها نداریم بنابراین در حرکتی که با برنامه ما خوانائی دارد حضور آنان مانع شرکت و فعالیت ما نخواهد بود.

برخوردهای مصلحت طلبانه و سیاست های سازشکارانه ی این نیروها بخصوص توهم آفرینی آنها نسبت به اصلاح رژیم از درون و مینا قراردادن این مشی در اتخاذ تاکتیک های آنها از جمله موانعی می باشند که امکان ائتلاف پایدار با آنها را در موقعیت کنونی غیرممکن می سازد. افشا اینگونه سازشکارها و توهماتی که از جانب آنها دامن زده می شود از جمله وظایف تمامی نیروهایی است که بطور واقعی به دمکراسی می اندیشند.

ب- از نظر ما سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت با دوری از واقعیت های اجتماعی سیاسی ایران، تکیه بر قدرت های خارجی، پشت پا زدن به تمامی اصول دمکراتیک در مناسبات درونی خود و دیگر جریانات اپوزیسیون و بخصوص ایفای نقش قیم مردمی و تعیین حکومت بجای آنها، به جایگاهی ارتجاعی در جنبش ما در غلطیده است. افشا اعمال ارتجاعی و ضد دمکراتیک این جریان از جمله الزامات شکل گیری آلترناتیوی دمکراتیک و مردمی در مقابل رژیم می باشد. وظیفه ای که علیرغم همسویی ما با این

سوسیالیسم، رهایی جامعه از سلطه‌ی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک و متکی بر اراده‌ی آزاد و انتخاب آگاه مردم ایران است. میزان موفقیت در این گذار مشروط بر قدرت عمل و نفوذ جنبش کارگر برای پیشبرد آن در مقیاس کل جامعه است.

در شرایط امروز ایران، جنبش چپ بعنوان نیروی بالفعل چشم انداز سوسیالیستی، با وظیفه‌ی سازماندهی جنبش توده‌ای برای رهایی از وضعیت حاکم بر جامعه، به فرجام رساندن تحولات دموکراتیک و سازماندهی برای گذار به یک جامعه‌ی سوسیالیستی مواجه است. انجام چنین وظیفه‌ای قبل از همه، نیازمند اتحاد و یگانگی صفوف نیروی چپ و تبدیل انرژی و امکانات پراکنده‌ی آن، به یک عامل تعیین کننده در مبارزات سیاسی جاری در جامعه‌ی ایران است.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، به مثابه‌ی جزئی از جنبش چپ ایران، تلاش برای سازماندهی و اتحاد این نیرو را وظیفه‌ی مقدم خود می‌داند.

۶- جمهوری اسلامی، مانع اصلی تحول دموکراتیک در ایران است. این رژیم ادامه‌ی سنت‌های استبدادی و رژیم‌های دیکتاتوری در تاریخ معاصر کشور ما، مغایر با هر گونه تحول و پیشرفت و ترقی در جامعه ماست. جمهوری اسلامی، سرآمد همه رژیم‌های ماقبل خود در امحاء حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، لغو حق انتخاب مردم و گسترش سرکوب و ترور تا اعماق جامعه و قانونی کردن دخالت در زندگی خصوصی آحاد آن است.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، در مرحله‌ی کنونی مبارزات مردم ایران، تحقق خواست‌های زیر را بعنوان رئوس برنامه خود، لازمه‌ی یک تحول دموکراتیک در جامعه‌ی ایران می‌داند:

- ۱- سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک
- ۲- درهم شکستن تمامی دستگاه‌هایی که وجود آنها تهدید و مانعی برای یک دموکراسی پایدار در جامعه است.
- ۳- تشکیل مجلس موسسان متکی بر انقلاب، که با رای آزاد مردم دعوت شده و قانون اساسی نظام آینده را تعیین می‌کند.
- ۴- خود حکومتی وسیع مردم از طریق نهادهای حاکمیت توده‌ای، در همه سطوح و حق نمایندگان آنها برای کنترل، تصویب و اجرای قوانین.
- ۵- برقراری آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی و حق رای همگانی و برابر.
- ۶- لغو هر گونه شکنجه و اعدام.
- ۷- جدائی دین از دولت و نفی هرگونه ایدئولوژیک کردن شئون جامعه.
- ۸- برابری حقوق کلیه شهروندان در مقابل قانون، صرفنظر از جنسیت، ملیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی.
- ۹- مبارزه با اعمال هر گونه تبعیض علیه زنان و دفاع از حق تشکل مستقل آنان و تامین حقوق برابر آنان با مردان در همه‌ی زمینه‌ها.
- ۱۰- تامین آزادی تشکل، اعتصاب و برخورداری از حق کار و تامین اجتماعی برای همگان.
- ۱۱- به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران و از جمله حق آنها برای جدایی کامل و تشکیل دولت مستقل.
- ۱۲- مبارزه با سلطه جویی‌های امپریالیسم و تنظیم روابط بین المللی بر پایه دفاع از حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت ملل و مبارزه برای حفظ محیط زیست.

جریان، در نفی کلیت رژیم جمهوری اسلامی، نباید کم رنگ شده و نادیده گرفته شود.

ج- سلطنت طلبان که با انقلاب عظیم توده‌ای بهمن از قدرت بزیر کشیده شده و تا سال‌ها پس از آن به عنوان نیروی سیاسی از معادلات جامعه ما حذف شده بودند، در نتیجه شکست انقلاب و به برکت سیه کاری‌های جمهوری اسلامی بار دیگر سر برآورده و تلاش می‌کنند با پوشاندن چهره‌ی واقعی خود و بعضاً گرفتن ژست‌های دموکرات مابانه، خود را ضامن استقلال و تامین کننده‌ی دموکراسی تحت حمایت پادشاه جا زده و با جلب کمک‌های اربابان خارجی و عوام فریبی در صفوف مردم برای کسب مجدد قدرت خیز بردارند.

افشا ماهیت ضد مردمی و سیاست‌های سرکوبگرانه و مستبدانه آنها در پیش از انقلاب و همچنین سکوت جدی آنها در مقابل کشتار و سرکوب نیروهای آزادیخواه در تمامی سال‌های پس از انقلاب و آشتی ناپذیری آنها با حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و در بسیاری موارد همراهی و تایید اقدامات سرکوبگرانه رژیم در کردستان و... از جمله الزامات متحد نمودن صف مبارزات مردم در مبارزه علیه دو نظام سلطنتی و اسلامی می‌باشد که باید در سیاست‌های تبلیغی ما جای ویژه‌ای داشته باشد.

سند شماره ۴

خط مشی ما

- ۱- سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران یک سازمان کمونیستی است که، خواهان لغو نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم در ایران است.
- ۲- نظام سرمایه داری مسبب اصلی بسیاری از نابسامانی‌های دامنگیر بشریت امروز است. مشخصات اصلی این نظام اتکا بر استثمار فرد از فرد و تولید کالایی است. سرمایه داری به حفظ نابرابری‌های اجتماعی، مردسالاری، جنگ‌های دائمی و حرص سود از طریق نابودی محیط زیست و منابع زندگی کمک می‌کند. این نظام مبشر آزادی انسان از قید و بند نظامات ماقبل سرمایه داری و اعلام برابری آنهاست. اما برای اکثریت جامعه، ضمن تامین آزادی‌های مدنی محدود، در آن برابری مغلوب نابرابری اقتصادی حاکم بر جامعه است.
- سوسیالیسم، امکان دستیابی انسان به آزادی و برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.
- ۳- عوامل عینی استقرار سوسیالیسم در بطن خود سرمایه داری نهفته است. نظام سرمایه داری از یکسو تولید را اجتماعی نموده، آنرا در مقیاس کل جامعه، توسعه می‌بخشد، از سوی دیگر حاصل تولید را به تملک خصوصی اقلیتی از جامعه در می‌آورد. تضاد بین تولید اجتماعی و تملک خصوصی بر وسایل تولید، تضاد ذاتی نظام سرمایه داری است. سوسیالیسم این تملک خصوصی را، پایان داده و تملک اجتماعی بر تولید و توزیع را جایگزین آن می‌نماید.
- ۴- شرایط و زمینه‌های استقرار سوسیالیسم را گسترش و توسعه تاریخی نظام سرمایه داری فراهم نموده است. اما استقرار آن برخلاف تمامی نظامات ماقبل آن، منوط به امر آگاهی، تشکل، آمادگی و اراده جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های اجتماعی است. همبستگی بین المللی طبقه کارگر متضمن چنین تحولات عمیق اجتماعی است.
- ۵- سوسیالیسم، نه یک ایده‌ی کلی، نه حکم پیشاپیش صادر شده‌ی جبر تاریخی، بلکه برنامه‌ی انجام تحولات اجتماعی، امر انتخاب آزادانه‌ی اکثریت جامعه است. در ایران، در شرایط کنونی اولین گام لازم برای گذار به